

زندگی کوتاه شگفت‌انگیز اسکار وائو

خونو دیاس

نادر قبله‌ای



سرشناسه	دیاز، خونوت، ۱۹۶۸ - م.
عنوان و نام پدیدآور	Diaz, Junot
مشخصات نشر	زندگی کوتاه شگفت‌انگیز اسکار وائو / خونو دیاس: ترجمه نادر قبله‌ای. تهران: نشر خزه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۳۵۲ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۹۸۴۵-۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: The brief wondrous life of Oscar Wao, 2007.
یادداشت	کتاب حاضر قبلاً با عنوان "زندگی شگفت‌انگیز اسکار وائو" با ترجمه کیومرث یارسای توسط انتشارات در دانش بهمن در سال ۱۳۸۹ فیبا گرفته است.
عنوان دیگر	زندگی شگفت‌انگیز اسکار وائو.
موضوع	داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰م.
موضوع	American fiction -- 20th century
شناسه افزوده	قبله‌ای، نادر، ۱۳۵۹ - مترجم
زده‌بندی گنکر	۱۳۹۸ ۹۳۲۲ ی ۳۵۵۹۶
زده‌بندی دیوپی	۸۱۳
شماره کتابشناسی ملی	۴۶۱۰۵

زندگی کوتاه شگفت‌انگیز اسکار وائو

رمان خارجی

نویسنده: خونو دیاس

مترجم: نادر قبله‌ای

ناشر: نشر خزه

چاپ: اول، ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

۳۵۲ صفحه

صفحه‌آرایی: مریم نطقی طاهری

طراحی جلد: علی کاظمی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۸۴۵-۹-۸

khazcsangpub@gmail.com

@khazepub

مقدمه‌ی مترجم

خور دیاس، نویسنده‌ی دومینیکنی آمریکایی برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر، در اولین رمان بلند خود گویزی، زمین مادری‌اش زده، سرزمینی که مردمش مثل بسیاری از کشورهای امریکای لاتین دهه‌های بسیاری را تحت سیطره‌ی دیکتاتوری‌های عجیب‌شان تجربه کردند. شخصیت اصلی داستان او، نه اسکار واثوست که در طول زندگی کوتاهش در طلب یافتن حقیقی و زیبایی‌های آن است، بلکه تمام افراد خانواده‌اش هستند، در بستری تاریک، از نوران تاریک حکومت تروخیو، دیکتاتور فاسد جمهوری دومینیکن، افرادی که نه تنها انسان به گونه‌ای در این دیکتاتوری زندگی کرده و زندگی‌هایشان به شدت تحت تأثیر آن بوده، از همین رو، زندگی اسکار، شخصیت محوری کتاب، و سرگذشتش، طبق روایت‌های گوناگونی که از خانواده‌اش در دل داستان قرار گرفته، چکیده‌ای از تمام خاندانی است که در این دوران بخشی یا کلی از زندگی خود را از دست داده‌اند.

با این تعاریف اسکار، با شخصیتی که جوینده است و پویند را با زیادهای بسیاری که از تبدیل شدن به جیمز جویس دومینیکنی تا استیفن کینگ دومینیکی درازا دارد، در نهایت تبدیل به هولدن کالفیلدی دومینیکنی می‌شود. البته با مؤلفه‌های لاتین و دوه بیکش، که در نهایت هم با وجود زندگی در دیکتاتوری تروخیو رسیدنش به شناخت از هستی و زندگی او، مهم‌تر از همه، عشق، برابر می‌شود با مرگ از سوی دیگر، زندگی سخت و تلخ اسکار واثو کنایه‌ای هم به زندگی پر از تاریکی اسکار وایلد، نویسنده‌ی شهیر ایرلندی می‌زند. پسر بچه‌ی خوره‌ی داستان‌های فانتزی و علمی تخیلی که آرزویش نوشتن رمانی فانتزی است و می‌خواهد جیمز جویس دومینیکنی‌ها شود، زندگی در نهایت او را تبدیل به اسکار وایلد و سرنوشت او می‌کند. حتی می‌توان گفت برای همین منظور متن داستانش را با

زبان اسپنگلیش، اصطلاحات مهاجران لاتینی که در امریکا زندگی می‌کنند و حتی زبان من درآوردی خودش شکل می‌دهد.

خونو دیاس در این رمان با طنز سرشاری که خاصه‌ی استعداد لاتینش است، فضای سخت و دردناک رمان را تا جایی که می‌تواند مطبوع و خوانا می‌کند. او از دورانی قصه می‌گوید که دیکتاتورش «یکی از رسواترین دیکتاتورهای قرن بیستم بود که با وحشیگری ظالمانه و کینه‌توزانه‌ای بر جمهوری دومینیکن حکومت می‌کرد... با ترس قدرتمند (و آشنا) از خشونت، ارباب، قتل عام، تجاوز، و انتخابات تحمیلی، کنرا تقریباً تمام جنبه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زندگی در جمهوری دومینیکن را به دست گرفت و طوری با کشور رفتار می‌کرد که انگار مزرعه است و او، ربابش» با این اوصاف، او مجبور می‌شود برای پیش بردن داستانش از چاشنی طنز استفاده کند و تا جایی که می‌تواند آن را با قصه‌اش همراه کند. البته، تا جایی که می‌تواند. در بیت، وقتی به مرگ اسکار می‌رسد، قلم طنزش را زمین می‌گذارد و دیگر خبر از شوخی، ایش نیست و با مهارت و نبوغش شما را از دل داستانی که تا قبل از آن فکر می‌کردید رمان تاریخی از یک دیکتاتوری خوفناک، یا حتی طنزی مبتذل است، وارد تراش می‌کند. اسکار از زندگی اسکار می‌کند و به این شکل خواننده‌ی خود را بدون شوخی با سبب زندگی در جمهوری دومینیکن تروخیوی آشنا می‌کند.

کتاب پر است از پانویس‌هایی که دیاس بر رماند و شخصیت‌های واقعی تاریخ جمهوری دومینیکن به داستان ضمیمه کرده. او این شد را که جدا از داستان است و در عین حال بخش مهمی از داستان، نه با زبان خودش نویسنده است، بلکه با زبان راوی داستان - یونیور، که راوی کتاب پیشین او، مجموعه داستان «غریب شده» هم بود - بازگو می‌کند. این پانویس‌ها درواقع تبدیل می‌شوند به راه‌حالی هم برای خواننده‌ی لاتین و هم برای خواننده‌ای که کمترین شناختی از فضای جامعه‌ی دومینیکنی ندارد. دیاس با این پانویس‌ها می‌خواهد واقعیت را از داستانش، از افسانه‌ای که تعریف می‌کند، جدا کند، ولی آیا چنین تدبیری از نویسنده‌ای زیرک مثل او جواب خواهد داد؟ قضاوتش می‌ماند با خواننده.